فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۴، شماره ۱۸ ، پاییز سال ۱۴۰۱

بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی در دانشجویان متاهل

عاطفه ملک‌لو*[۱]، رضا قربان جهرمی[۲]

چکیده

سبک دلبستگی، از عوامل موثر در تعاملات بین فردی است که در نتیجه‌ی روابط فرد با چهره‌های دلبستگی (والدین، همسالان و همسر) شکل می‌گیرد و بطور معناداری بر عملکرد و رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی در دانشجویان متاهل انجام داد. روش پژوهش بر حسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده ها توصیفی-همبستگی بود. جامعه‌آماری شامل کلیه دانشجویان متاهل کلیه مقاطع دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در سال ۱۳۹۶ بود که از این میان با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۸۴ نفر به عنوان حجم‌نمونه در نظر گرفته شد. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس چهار پرسشنامه استاندارد سازگاری زناشویی (لاک-والاس، ۱۹۵۹) و سبک‌های دلبستگی (هازن و شیور، ۱۹۸۷) انجام گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد که نتایج نشان داد که، بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان این نتیجه‌گیری را نمود که با مشاوره‌های قبل ازدواج و تعیین سبک دلبستگی و میزان سازگاری زناشویی آن‌ها را بتوان پیش‌بینی کرد و در صورت نیاز آموزش‌های لازم را ارائه نمود تا در زندگی رضایت و سازگاری بیشتری حاصل گردد.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا، سازگاری زناشویی

۱* کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲ استادیار، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

مقدمه

امروزه خانواده همچنان به عنوان زیربنایی ترین رکن جامعه، مورد توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت است (طاهری و محوی، ۱۳۹۸). یکی از مهمترین عواملی که بر بقا و رشد خانواده اثر می گذارد، روابط سالم و تفاهم بین اعضا به خصوص زن و شوهر است (آنال و آکگون[۱]، ۲۰۲۰). سازگاری زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده رابطه زناشویی است. بررسی سازگاری زناشویی ممکن است به معنای مطالعه مواردی از قبیل خوشبختی در ازدواج، ارتباط همراه با رضایت متقابل، توافق در تصمیم‌گیری‌ها، موثر بودن کنش‌وری خانواده و سازگاری جنسی باشد (ازدن و کلن[۲]، ۲۰۱۴). سازگاری زناشویی فرایندی است که طی آن هر دو عضو زوج به صورت انفرادی یا با همکاری یکدیگر الگوهای رفتاری خود را برای رسیدن به حداکثر رضایت زناشویی در روابطشان، تغییر و اصلاح می‌کنند (کیم، شین و یان[۳]، ۲۰۱۸) این سازگاری حفظ تعادل زندگی و جو عاطفی خانواده نقش حیاتی دارد (مک دونالد، اولسون، لانینگ، گودارد و مارشال[۴]، ۲۰۱۸). سیهان و آیدوگان[۵] (۲۰۲۰) سازگاری زناشویی را وضعیتی می‌دانند که در آن احساس کلی شادی، رضایت از ازدواج و با هم بودن در زن و مرد وجود دارد که موجب رشد و پیشرفت زوجین در ابعاد مختلف می‌شود و درک متقابل زوجین از یکدیگر را تقویت می‌کند. بنابراین هنگامی که زن و شوهر پابه‌پای هم برای رسیدن به هماهنگی و تعادل در حوزه‌های مختلف زندگی زناشویی تلاش می‌کنند سازگاری حاصل می‌شود (ویسمان، گیلمور و سالینگر[۶]، ۲۰۱۸). پنالاپ، ون هال و گلداسمیت[۷] (۲۰۱۹) معتقدند که سازگاری زناشویی در واقع فرایند و نتیجه موارد زیر است: ۱) تفاوت‌های دردسرساز[۸] دو نفری، ۲) تنش‌های بین‌فردی[۹] و اضطراب شخصی[۱۰]، ۳) رضایت دو نفری[۱۱]، ۴) همبستگی دو نفری[۱۲]، ۵) توافق نظر در مورد اهمیت موضوع کارکردن دو

1 - Ünal & Akgün
2- Ozden & Celen
3 - Kim, Shin & Yun
4 - McDonald, Olson, Lanning, Goddard & Marshall
5 - Cihan & Aydogan
6 - Whisman, Gilmour & Salinger
7 - Planalp, Van Hulle & Goldsmith
8- differences of trouble maker
9- interpersonal tensions
10- personal anxiety
11- satisfaction couple
12- solidarity couple

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

نفری[1]. مرت[2] (۲۰۱۸) نیز بیان می‌دارد که اصطلاح سازگاری زناشویی بر توانایی زوج‌ها برای راضی و شاد شدن و کسب موفقیت در تعدادی از وظایف خاص مربوط به ازدواج اشاره دارد.

یکی از متغیرهایی که با آسیب شناسی روابط زناشویی در ارتباط است، سبک های دلبستگی است (ریخای، گیلرا و هالاسا[3]، ۲۰۱۸). بالبی معتقد است سه عامل در رضایت زوجین موثر است: ۱. رضایتمندی زناشویی والدین، ۲. بهره‌مند بودن از یک دوره کودکی همراه با شادی و خوشی، ۳. نداشتن کشمکش و تعارض با مادر. رابطه زناشویی باید بر اساس محبت، همکاری، همدردی، تفاهم، گذشت، فداکاری متقابل و زندگی مشترک زن و شوهر استوار باشد. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین عوامل موثر در تعاملات بین‌فردی و رضایت زناشویی، نوع سبک دلبستگی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است در سنین بعدی ادامه می‌یابد. دلبستگی که به عنوان پیوند عاطفی کودک-مادر است، تعیین‌کننده بهداشت و سلامت روانی فرد است (بالبی، ۱۹۶۰؛ به نقل از نوابی‌نژاد، دوکانه‌ای فرد و آقاجانی، ۱۳۸۸). انسجام و ثبات در الگوهای رابطه ای مراقبت کننده اجازه تداوم در دلبستگی را مهیا می کنند (میرصادقی، سهرابی، اسکندری، برجعلی و فرخی، ۱۳۹۶)، و از این رو بر واحد خانواده به عنوان یک کل اثر می گذارد. مک کارتی و تیلور[4] (۲۰۱۵) گزارش کردند که کیفیت مراقبت دهی، شکل گرفته توسط مدل دلبستگی، رفتار والدین نسبت به فرزندشان را هدایت می کند. سبک دلبستگی، فرایندهایی را که طی آن پیوند بین فرد و خانواده شکل می گیرد، توصیف می کند. سبک های دلبستگی به مدل های درون کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک-مادر گفته می شود که شکل پاسخ های رفتاری افراد به جدایی نگاره های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره ها را تعیین می کنند. این سبک ها به سه دسته ایمن، اجتنابی و دوسوگرا تقسیم می شوند (هاکینگ، سایمون و سورت[5]، ۲۰۱۶). افراد در طول رشد مجموعه ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به واسطه مجاورت کافی با نگاره های دلبستگی را به عنوان مدل های درون کاری ثبت و ضبط می کنند (سیمپسون و رولز[6]، ۲۰۱۷). پژوهش ها نشان داده اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، سطوح

1- consensus about importance issue working in pairs
2 - Mert
3 - Rikhye, Gilra & Halassa
4 - McCarthy & Taylor
5 - Hocking, Simons & Surette
6 - Simpson & Rholes

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

پایین تری از عواطف منفی را تجربه می کنند و روابط مستحکمی را با کسانی برقرار می سازند که هنگام درماندگی هیجانی، برای دریافت حمایت مراجعه می کنند. افراد با سبک دلبستگی ناایمن، در مقایسه با ایمن ها، سطوح پایین تری از عواطف مثبت را تجربه می کنند و در مدیریت استرس، اضطراب و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می دهند (هانگن، کراستا و روگ[1]، ۲۰۲۰). لیختنشتاین[2] و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که افراد دارای سبک های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی از راهبردهای کاملا متفاوتی استفاده می کنند که این راهبردها به نوبه خود سازگاری زناشویی و بهزیستی روانی را افزایش یا کاهش می دهد.

با توجه به افزایش روز افزون ناسازگاری های زناشویی و به تبع آن آمار بالای طلاق در جامعه و تبعات منفی آن که گریبانگیر خانواده ها شده است و رابطه متقابل بین سازگاری زناشویی و سبک های دلبستگی، پژوهش حاضر در صدد خواهد بود تا از طریق پیش بینی سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در سازگاری زناشویی، بینش وسیع تر و روشن تر نسبت به این موضوع برای زوجین و درمانگران در حیطه مشاوره خانواده فراهم نماید تا در فعالیت های مشاوره ای به این موضوع توجه بیشتری شده و با بکارگیری برنامه های پیشگیرانه از میزان تعارضات زناشویی کاسته شود. از سوی دیگر به دلیل اهمیت خانواده و نقش پر رنگ آن در تمامی شئون و عرصه های جوامع، وجود مسائل حل نشده در خانواده، ممکن است آثار سوءاجتماعی و فرهنگی به دنبال داشته باشد و با توجه به این که خانواده های اصلی همواره و نسل به نسل بر زندگی زناشویی فرزندان اثر می گذارند و نیز به این دلیل که احتمال انتقال این اثرات سوء به نسل های بعدی وجود دارد، پژوهشگران در پی آنند که عوامل تامین کننده سازگاری زناشویی و علل و عوامل موثر بر ناسازگاری های زناشویی را بیابند و راهکارهایی برای رفع این عوامل پیشنهاد کنند. بنابراین مقوله سازگاری زناشویی تامین کننده بهداشت روانی خانواده و در نتیجه بهداشت روانی جامعه است، شناسایی عواملی که بر سازگاری زناشویی زوجین موثر است، هم از لحاظ نظری و هم از نظر بالینی مهم است؛ چرا که فهم افراد از فرایندهای زمینه ساز روانشناختی و عوامل پیش بینی کننده سازگاری زناشویی می تواند به درک بهتر از این پدیده منجر شود به طوری که با شناسایی عوامل ایجاد کننده و تداوم بخش هر اختلال می توان آن را به صورت موثر و کارآمد پیش بینی و کنترل کرد. با توجه به مطالب بیان شده در پژوهش های مختلف به بررسی رابطه تک تک متغیرهای ذکر شده پرداخته شده و به مطالعه روابط بین این متغیرها در

1 - Hangen, Crasta & Rogge
2 - Lichtenstein

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

کنار همدیگر اشاره ای نشده است. لذا محقق در این پژوهش به دنبال این مساله است: آیا سازگاری زناشویی بر اساس سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا قابل پیش بینی است؟

روش

روش پژوهش بر اساس هدف کاربردی، و از نظر نحوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی و به لحاظ نوع داده ها پژوهشی همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متاهل کلیه مقاطع دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز بود که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. بر اساس نظر هومن (۱۳۸۶) در تحقیقات همبستگی برای هر متغیر پیش بین حداقل ۱۰۰ نفر باید در نظر گرفته شوند و چون این تحقیق دو متغیر پیش بین دارد (سبک های دلبستگی) ۲۰۰ نفر در نظر گرفته و با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند که در نهایت به دلیل مخدوش بودن ۱۶ پرسشنامه ها تحلیل ها بر اساس اطلاعات بدست آمده از ۱۸۴ نفر صورت گرفت. به این صورت که پس از اخذ مجوز از شورای پژوهشی، پژوهشگر با مراجعه به دانشگاه، پس از معرفی پژوهشگر، کسب رضایت آگاهانه و توضیحات لازم، با توجه به معیارهای ورود و خروج، پرسشنامه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و پس از تکمیل، پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ها به مدت ۶۰ روز اجرا شد. لازم به ذکر است توضیحات لازم در مورد آگاهی از اهداف مطالعه، مشارکت داوطلبانه، رعایت حریم خصوصی، حفظ اسرار، عدم ثبت مشخصات شناسایی، حق انصراف از ادامه در همه مراحل جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه ارائه و رضایت آن‌ها برای شرکت در مطالعه نیز اخذ شد.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک_ والاس[1] (LWMAT): آزمون سازگاری زناشویی توسط هاروی جی لاک و کارل ام. والاس در سال ۱۹۵۹ طراحی و بر پایه (ادراک بین فردی) از روابط زناشویی استوار است. این آزمون در قالب ۱۵ سوال میزان موفقیت همسران را در خصوص فعالیت‌های دخیل در سازگاری زناشویی می سنجد.این پرسشنامه با هدف ارزیابی سازگاری زناشویی لاک-والاس طراحی شده است. آزمون سازگاری زناشویی لاک والاس یک پرسشنامه خود گزارش دهی کوتاه است که به منظور اندازه گیری کیفیت کنش وری ازدواج طراحی شده و معمول ترین ابزار اندازه گیری به کار برده شده در این زمینه است. این آزمون نشان می دهد پاسخ دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت هایی که در

1 Locke – Wallace Marital Adjustment Test

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند موافق است. آزمون بایستی به وسیله هریک از زوجین به طور جداگانه تکمیل شود و بدین ترتیب امکان اندازه گیری کلی سازگاری زناشویی برپایه ادراک بین فردی از روابط زناشویی را فراهم می آورد. برای نمره گذاری در طیف لیکرت ۶ وجهی از همیشه اختلاف داریم تا همیشه توافق داریم. روایی آزمون سازگاری زناشویی لاک ـ والاس: برآورد همسانی درونی با استفاده از فرمول اسپیرمن – براون بسیار خوب و و ضریب همبستگی بین دو نیمه آن برابر ۰/۹۰ بوده است. هیچ اطلاعی در مورد اعتبار بازآزمایی آن در اختیار نیست.آزمون سازگاری زناشویی لاک – والاس برای زوجهای سازگار و ناسازگار از روایی بالا برخوردار است. نمرات این آزمون با آزمون پیش بینی زناشویی لاک – والاس همبستگی بالایی دارد. این نتیجه، نشان دهنده روایی همزمان بالای آن است. دامنه نمرات این آزمون می تواند از ۱۵۸-۲ باشد . بطوریکه امتیاز ۸۴-۲ پایین، ۹۹-۸۵ متوسط و ۱۵۸-۱۰۰ امتیازبالا در این آزمون محسوب می شود. نمرات پایین، ناسازگاری و نمرات بالا، سازگاری را نشان می‌دهد و نمرات پایین تر از ۱۰۰ نشان دهنده تنیدگی در روابط زناشویی است. آزمون سازگاری زناشویی در ادبیات روانشناختی به عنوان ابزار معتبر اندازه گیری رضایت از ازدواج و مقیاسی برای پیش بینی سازگاری آینده شناخته می شود. همچنین این آزمون با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی سازش یافته اند و آن هایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، روایی بسیار بالایی نشان داده است. این آزمون توسط مظاهری (۱۳۷۹) ترجمه و روی یک نمونه از زوج های ایرانی به کار برده شده است.

پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور[1]: در این پژوهش سبک دلبستگی به والدین براساس پاسخگویی به پرسش‌نامه هازن و شیور (۱۹۸۷)؛ به نقل از وفاییان، ۱۳۸۵) مشخص شده است. افراد با توجه به طیف لیکرت از (۱ خیلی کم) تا (۵ خیلی زیاد) که برای هر سؤال قرار داده شده است به سؤالات جواب می‌دهند این پرسش‌نامه دارای ۱۵ سؤال است که پنج ماده پرسش‌نامه مربوط به سبک دلبستگی ایمن، پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی ناایمن/ اجتنابی و پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی ناایمن/ دوسوگرا می‌باشد و از آزمودنی خواسته شد که گزینه‌هایی را انتخاب کند که سبک مشخص آن را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند و خرده‌مقیاسی که آزمودنی نمره بالاتری در آن کسب نماید به عنوان سبک دلبستگی فرد لحاظ می‌شود. مشخصات پرسشنامه سبک دلبستگی : مقیاس اجتنابی که شامل ۵ سوال از ۱ تا ۵. مقیاس ایمن که شامل ۵ سوال از ۶ تا ۱۰. مقیاس دوسوگرا که شامل ۵ سوال از ۱۱ تا ۱۵. پایایی پرسشنامه سبک

1 Hazan and Shaver's **Adult Attachment** Scale

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

دلبستگی: هازن و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ بدست آوردند. کولیتز و رید همچنین پایایی را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آوردند و علاوه بر این خالدیان (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی پرسش‌نامه را بر روی یک نمونه ۶۰ نفری اجرا کرد و آلفای کرونباخ را ۰/۸۲ به دست آورد که مقدار قابل قبولی می‌باشد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با اجرای پرسش‌نامه بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان با آلفای کرونباخ ۸۸/ ۰ به دست آمد. علاوه بر این در پژوهش پاکدامن (؛ ۱۳۸۷؛ به نقل از وفائیان، ۱۳۸۵) نیز پایایی توسط آزمون مجدد روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ نفر دختر، ۵۰ نفر پسر) با فاصله زمانی یک ماه به ترتیب برای دلبستگی ناایمن/دوسوگرا، ناایمن/اجتنابی و ایمن برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷ گزارش داده است. روایی پرسشنامه سبک دلبستگی: تحلیل عاملی پرسش‌نامه هازن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولیتز و رید به استخراج سه عامل عمده منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می‌شود. هازن و شیور روایی محتوایی و ملاکی را خوب گزارش نمودند و روایی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش داده‌اند همچنین رحمیان (۱۳۸۳؛ به نقل از وفائیان، ۱۳۸۵) روایی همزمان این پرسش نامه را با مصاحبه ساختاریافته ماین برای دلبستگی بزرگسالان به ترتیب، ایمن (۷۹/.)، ناایمن اجتنابی (۸۴/.) و ناایمن دوسوگرا (۸۷/.) گزارش داده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار spss20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته ها

در جدول ۱ شاخص‌های آمار توصیفی برای نمونه مورد بررسی (n= ۱۸۴) شامل میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی برای متغیرهای مورد نظر آورده شده است.

جدول ۱. شاخص های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سبک دلبستگی ایمن	۱۶/۸۵	۳/۴۷	-۰/۵۲	۰/۱۹
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۴/۰۶	۳/۱۵	۰/۷۷	-۰/۳۰
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۷/۳۹	۳/۷۲	۰/۵۶	-۱/۰۶
سازگاری زناشویی	۳۴/۸۲	۵/۴۰	۰/۷۲	-۰/۹۳

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، با توجه به مقادیر بدست آمده کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش که بین ۲- و ۲+ قرار دارد، توزیع تمامی متغیرها نرمال است. در ادامه، با توجه به طرح پژوهش که از نوع پیش بینی است و هدف آن پی بردن به تغییرات متغیر ملاک از روی متغیرهای پیش بین است از مدل تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با توجه به این امر که ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل رابطه بین متغیرها و رگرسیون است، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱. سبک دلبستگی ایمن	۱			
۲. سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۵**	۱		
۳. سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۴۸**	۰/۴۱**	۱	
۴. سازگاری زناشویی	۰/۴۵**	-۰/۳۹**	-۰/۴۲**	۱

* P < ۰/۰۵ ** P < ۰/۰۱

با توجه به جدول ۲ ملاحظه می شود که از میان متغیرهای برونزا (سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)، به ترتیب سبک دلبستگی ایمن (۰/۴۵)، سبک دلبستگی دوسوگرا (۰/۴۲-) و سبک دلبستگی اجتنابی (۰/۳۹-) بالاترین تا پایین ترین ضریب همبستگی را با سازگاری زناشویی دارا هستند که تمامی این ضرایب از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان سازگاری زناشویی بر حسب متغیرهای پیش بین

شاخص متغیر	R	R^2	R^2 تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
متغیرهای پیش بین	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۵۱	۸/۵۶

همان گونه که نتایج جدول ۳ نشان می دهد، اندازه R^2 حاصل از ورود کلیه متغیرهای پیش بین سازگاری زناشویی به تحلیل بیانگر آن است که این متغیرها می توانند ۵۲ درصد از تغییرات سازگاری زناشویی را تبیین نماید. بنابراین ۵۲٪ از تغییرات متغیر

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۴، شماره ۱۸ ، پاییز سال ۱۴۰۱

ملاک سازگاری زناشویی توسط ترکیب خطی متغیرهای پیش بین سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) تبیین می شود. در جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس رگرسیون همزمان سازگاری زناشویی بر حسب متغیرهای پیش بین گزارش شده است

جدول ۴. تحلیل واریانس رگرسیون همزمان سازگاری زناشویی بر حسب متغیرهای پیش بین

شاخص متغیر	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مشاهده شده	سطح معناداری F
متغیرهای پیش بین	رگرسیون	۲۱۹۶۲/۳۸	۴	۵۴۹۰/۵۹	۵۰/۱۳	۰/۰۰۱
	باقی مانده (خطا)	۱۹۶۰۳/۵۱	۱۷۹	۱۰۹/۵۲		
	جمع کل	۳۹۸۴۹/۵۰	۱۸۳			

همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می شود، مقدار F مشاهده شده (۵۰/۱۳= ۱۷۹و۴F) اثر معناداری را در سطح p <۰/۰۰۱ نشان می دهد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که متغیرهای پیش بین قادر به پیش بینی سازگاری زناشویی می باشند. از این رو، ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون ارائه می گردد تا تاثیر متغیرهای پیش بین مورد بررسی قرار گیرد. در جدول ۵ ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون همزمان سازگاری زناشویی بر حسب متغیرهای پیش بین ارائه شده است.

جدول ۵. ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون همزمان سازگاری زناشویی بر حسب متغیرهای پیش بین

بر

شاخص متغیر	ضریب B	خطای استاندارد B	β	t	سطح معناداری t
سبک دلبستگی ایمن	۳/۰۸	۰/۱۷	۰/۳۱	۶/۵۰	۰/۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۴	۰/۱۳	-۰/۲۰	-۲/۵۴	۰/۰۴
سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۶۲	۰/۱۸	-۰/۲۷	-۳/۶۲	۰/۰۱

اساس یافته های حاصل از جدول ۵، مقدار ضریب رگرسیون سبک دلبستگی ایمن (β=۰/۳۱) بر اساس مقدار t بدست آمده (t = ۶/۵۰) در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. بعلاوه مقدار ضریب رگرسیون سبک دلبستگی اجتنابی (β= -۰/۲۰) بر اساس مقدار t بدست آمده (t = -۲/۵۴) در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. همچنین مقدار ضریب رگرسیون سبک دلبستگی دوسوگرا

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

(β= -۰/۲۷) بر اساس مقدار t بدست آمده (t = -۳/۶۲) در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همان گونه که گفته شد، ضریب رگرسیونی برای سبک دلبستگی ایمن (β= ۰/۳۱) بدست آمده است که با توجه به سطح معناداری t در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. همچنین مطابق با نتایج، بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همان گونه که گفته شد، ضریب رگرسیونی برای سبک دلبستگی اجتنابی (β= -۰/۲۰) بدست آمده است که با توجه به سطح معناداری t در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. طبق جدول، ضریب رگرسیونی برای سبک دلبستگی دوسوگرا (β= -۰/۲۷) بدست آمده است که با توجه به سطح معناداری t در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. بر این اساس، فرضیه پژوهش تایید می شود و می توان گفت بین سبک های دلبستگی و سازگاری زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی در دانشجویان متاهل انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی دانشجویان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک های دلبستگی رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند و بر اساس نتایج، هر اندازه که ایمنی در دلبستگی بیشتر باشد، سازگاری افراد افزایش یافته و هر چقدر نا ایمنی در دلبستگی بیشتر باشد سازگاری کاهش می یابد و اختلاف و درگیری های خانوادگی افزوده می‌شود. رابطه معنادار مثبت بین سبک دلبستگی ایمن با سازگاری بیشتر زناشویی و رابطه معکوس سبک های ناایمن اجتنابی و دو سو گرا با سازگاری زناشویی همسو با نتایج پژوهش های متعددی است که این روابط را بررسی کرده اند (سیواندیان و بشارت، ۲۰۱۹؛ امانی و همکاران، ۲۰۲۰؛ بدایر و همکاران، ۲۰۲۰؛ پاور، ۲۰۱۹؛ سینا و همکاران، ۲۰۱۸). افراد دارای سبک ایمن به خود و دیگران اعتماد دارند، به آسانی رابطه برقرار می‌کنند، از ارتباطات خود لذت می‌برند و نگران طرد شد نیستند و دارای ثبات هستند. در روابطشان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد و درباره خود و دیگران احساس ارزشمندی دارند (مردانی و همکاران، ۲۰۲۱). این ویژگی ها همسران ایمن را در جلب احترام و حمایت همسر فراهم می‌کند و زمینه اجتماعی یک ارتباط سالم را فراهم می آورد. در زندگی زناشویی نیز این افراد با ایجاد ارتباط سالم و بهنجار با همسر خود شرایط بروز مشکلات را به

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

حداقل می‌رسانند. بعلاوه برخی از پژوهش ها رابطه بین سبک های دلبستگی و آسیب های موجود در زندگی افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال دی ماگیو (۲۰۲۰) نشان داده است که سبک دلبستگی در کیفیت سلامت روانی نقش دارد و نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن به عنوان عامل محافظتی و سبک های دلبستگی نا ایمن به عنوان یک عامل مخاطره در برابر آسیب های روانی عمل می‌کنند.

فرامرزی (۱۴۰۰) نشان داد که سبک دلبستگی افراد با دلپذیر بودن در رابطه و سبک مقابله و رشد یافتگی سبک های دفاعی رابط دارد. کسانی که سبک دلبستگی دو سو گرا دارند در جستجوی مراقبت بالا، صمیمیت، پذیرش و پاسخگویی از جانب شریکشان هستند. و وابستگی بیش از حدی دارند. افراد با دلبستگی دو سوگرا کمتر می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، دیدگاه های مثبت کمتری نسبت به خود و شریکشان دارند و سطوح بالایی از نگرانی و تکانشوری را در روابطشان نشان می‌دهند. این وابستگی بیش از حد و برخوردهای تکانشی به کیفیت روابط زناشویی آسیب وارد می‌کند . افرادی که در طی دوران رشد دلبستگی ایمنی با مراقبان خود داشته‌اند، در بزرگسالی روابط ایمن تری را در تعاملات خود پیش بینی خواهند کرد و این تفسیر و پیش بینی باعث افزایش دوام و کیفیت روابط خواهد شد. در عوض افراد با سبک دلبستگی ناایمن دو سو گرا هم راستا با سبک دلبستگی خود معمولا تفسیر و پیش بینی مناسبی از روابط بین شخصی ندارند و هنگام تعاملات بین شخصی با الگوی نگران برخورد می‌کنند.

دسترنج (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان داد که دانشجویان متاهل با سبک های دلبستگی ایمن، از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و میزان رضایت زناشویی دانشجویانی که از سبک های نا ایمن اجتناب و دو سو گرا برخوردار بودند نیز به طور معناداری کمتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن بود. روابط زناشویی گاهی به علت مشکلات مختلف به یک تجربه استرس زا تبدیل شده و باعث فعال شدن سیستم دلبستگی فرد می‌شود. افراد دارای سبک های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در سازگاری با مسائل زندگی مشترک مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند. نتایج پژوهش ها نشان داده که افراد با سبک دلبستگی نا ایمن و دو سوگرا سطوح بالاتری از آشفتگی زناشویی، افسردگی را تجربه می‌کنند و سازگاری کمتری در روابط زناشویی دارند. این افراد در مواجهه با استرس‌های زندگی مشترک نشخوار ذهنی بیشتری دارند و اضطراب سراسر وجودشان را در بر می‌گیرد.. دوستداری تیله نویی (۱۳۹۲) نشان داد که رابطه قوی و مهمی بین سبک دلبستگی ، خصوصا جفت شدن سبک های دلبستگی زن و شوهر با یکدیگر، ساختار خانواده و سازگاری زناشویی وجود دارد . افراد وابسته تمایل شدید به ورود به رابطه با افرادی دارند که به لحاظ هیجانی در دسترس و نیازمند هستند و تلاش می‌کنند تا یک رابطه را کنترل کنند بدون آنکه نیاز ها و تمایلات خود

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

را ابراز نمایند و در یک حالت عدم کامروایی مداوم قرار می‌گیرند. مراقبت و توجه به یک وسواس تبدیل می‌شود. افراد ایمن با ابراز صمیمیت و بیان عواطف خود بر پایه عشق و دوستی شرایطی را فراهم می‌کنند که موجب برخورداری بیشتر آنها از احساس رضایت می‌شود. در حالی که افراد اجتنابی و دوسوگرا با فاصله گرفتن عاطفی و اضطراب، کیفیت ارتباط زناشویی را منفی ارزش گذاری می‌کنند.

این پژوهش مانند هر پژوهش علمی دیگر با محدودیت هایی مواجه بود؛ از جمله این که یافته های این پژوهش حاصل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه های خودگزارش دهی در جامعه محدود به دانشجویان متاهل دانشگاه تهران مرکز بود، لذا توجه به این نکته در تعمیم دهی نتایج به گروه های دیگر نیز حائز اهمیت است. از این رو انجام دادن پژوهش های مشابه در میان جامعه متفاوت، ضرورت می یابد. همچنین استفاده از ابزارهای مختلفی مثل مشاهده، مصاحبه و درجه بندی رفتار زوجین بر قابلیت اعتماد نتایج پژوهش خواهد افزود. بیشتر پژوهش ها در این مورد، بر اساس مطالعات مقطعی بوده است. نظر یه این که در مطالعات طولی می توان اطلاعات از وضعیت گذشته فرد را به عنوان عوامل تعیین کننده سازگاری زناشویی بررسی کرد، لذا پیشنهاد می شود با استفاده از مطالعه طولی، رابطه سازگاری زناشویی و سبک های دلبستگی بررسی شود تا تعمیم پذیر بیشتری برای یافته های پژوهش تامین شود. همچنین در پایان، پیشنهاد می شود مطالعات بعدی در بررسی عوامل تاثیرگذار بر سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل، تاثیر عوامل فرهنگی، محیطی و خانوادگی را مورد بررسی قرار دهند. لذا پیشنهاد می شود از طریق رسانه های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون آموزش هایی در جهت چگونگی تاثیر سازگاری و رضایتمندی زناشویی بر سلامت روان و سبک های دلبستگی به عموم داده شود تا به آگاهی لازم برسند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می گردد که جهت افزایش سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل، دست اندرکاران و مدیران و تصمیم گیرندگان به افزایش سبک های دلبستگی ایمن افراد از طریق ارایه اطلاعات و مشاوره های بالینی مناسب بیشتر اهتمام بورزند.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

منابع

دسترنج، لیلا. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه الگوهای ارتباطی و سبک های دلبستگی با سازگاری زناشویی زنان پرستار شهر شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

دوستداری تیله نویی، تیمور. (۱۳۹۲). *رابطه سبک های دلبستگی با صمیمیت و سازگاری زناشویی در زوجین فرهنگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

طاهری، زهرا و محوی، مجید. (۱۳۹۷). رابطه انتظار از ازدواج و تحمل پریشانی با سازگاری زناشویی زنان. *فصلنامه پژوهشنامه زنان*، ۱۰ (۱)، ۹۹-۱۱۶.

فرامرزی، زهرا. (۱۴۰۰). *بررسی نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه ادراک از خانواده اصلی و دلبستگی عاشقانه با سازگاری زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک.

میرصادقی، سودابه؛ سهرابی، فرامرز؛ اسکندری، حسین؛ برجعلی، احمد و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۶). تدوین مدل ساختاری شیوه های فرزندپروری مادران بر اساس سبک های دلبستگی و کیفیت روابط موضوعی آنان در میان مادران با فرزندان عادی و مبتلا به اختلال های اضطراب جدایی و وسواس-اجبار. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۸ (۳۰)، ۱۹۴-۱۳۱.

نوابی نژاد، شکوه؛ دوکانه ای فرد، فریده و آقاجانی، فرنوش. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سبک دلبستگی و شادکامی با رضایت زناشویی متاهلین شاغل در بیمارستان خاتم الانبیا شهر تهران. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۲ (۶)، ۱۴۹-۱۲۱.

Amani, R., & Khosroshahi, A. S. (2020). The structural model of marital quality based on secure attachment style through the mediating role of self-compassion, resilience, and perspective-taking. *The American Journal of Family Therapy*, *49*(1), 16-36.

Bedair, K., Hamza, E. A., & Gladding, S. T. (2020). Attachment style, marital satisfaction, and mutual support attachment style in Qatar. *The Family Journal*, *28*(3), 329-336.

Cihan, H., & Aydogan, D. (2020). Relational resilience as a protective factor in marital adjustment of couples with cancer: a dyadic model. *Neurological Sciences*, *33*, 281-288.

DiMaggio, D. J. (2020). *What Contributes to Marital Satisfaction? The Relationship between Attachment Style, Emotion Regulation, Mentalization and Marital Satisfaction* (Doctoral dissertation, Alliant International University).

Hangen, F., Crasta, D., & Rogge, R. D. (2020). Delineating the boundaries between nonmonogamy and infidelity: Bringing consent back into definitions of consensual nonmonogamy with latent profile analysis. *The Journal of Sex Research*, *57*(4), 438-457.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. *Child abuse & neglect*, *52*, 94-101.

Kim, J. H., Shin, H. S., & Yun, E. K. (2018). A dyadic approach to infertility stress, marital adjustment, and depression on quality of life in infertile couples. *Journal of Holistic Nursing*, *36*(1), 6-14.

Lichtenstein, M. B., Christiansen, E., Elklit, A., Bilenberg, N., & Støving, R. K. (2015). Exercise addiction: a study of eating disorder symptoms, quality of life, personality traits and attachment styles. *Psychiatry research*, *215*(2), 410-416.

Mardani, M., Marashi, S. A., & Abbaspour, Z. (2021). On the Causal Relationship Between Attachment Styles and Marital Satisfaction: Mediating Role of Gottman's Marital Communication Model. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, *15*(2).

McCarthy,P.; Taylor, K. (2015). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Fam j*, 20 (4):419-426.

McDonald, J. E., Olson, J. R., Lanning, A. H., Goddard, H. W., & Marshall, J. P. (2018). Effects of religiosity, forgiveness, and spousal empathy on marital adjustment. *Marriage & family review*, *54*(4), 393-416.

Mert, A. (2018). The Predictive Role of Values and Perceived Social Support Variables in Marital Adjustment. *Universal Journal of Educational Research*, *6*(6), 1192-1198.

Ozden, M. S., & Celen, N. (2014). The relationship between inherent and acquired characteristics of human development with marital adjustment. *ProcediaSocial and Behavioral Sciences*, 25(4): 48-56

Planalp, E. M., Van Hulle, C. A., & Goldsmith, H. H. (2019). Parenting in context: Marital adjustment, parent affect, and child temperament in complex families. *Journal of Family Psychology*, *33*(5), 532.

Power, O. (2019). *An Investigation of the Association between Adult Attachment Styles, Emotional Intelligence and Marital Satisfaction as an outcome* (Doctoral dissertation, Dublin, National College of Ireland).

Rikhye, R. V., Gilra, A., & Halassa, M. M. (2018). Thalamic regulation of switching between cortical representations enables cognitive flexibility. *Nature neuroscience*, *21*(12), 1753-1763.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current opinion in psychology*, *13*, 19-24.

Sina, F., Najarpourian, S., & Samavi, S. A. (2018). The prediction of marital satisfaction through attachment styles and love story. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, *12*(4).

Sivandian, M., & Besharat, M. A. (2019). The association between attachment styles and marital adjustment: The moderating role of defense mechanisms. *Journal of Research and Health*, *9*(7), 544-553.

Ünal, Ö., & Akgün, S. (2020). Conflict resolution styles as predictors of marital adjustment and marital satisfaction: an actor–partner interdependence model. *Journal of Family Studies*, 1-16.

Whisman, M. A., du Pont, A., Rhee, S. H., Spotts, E. L., Lichtenstein, P., Ganiban, J. M., ... & Neiderhiser, J. M. (2018). A genetically informative analysis of the association between dyadic adjustment, depressive symptoms, and anxiety symptoms. *Journal of affective disorders*, *237*, 18-26.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۴، شماره ۱۸ ، پاییز سال ۱۴۰۱

Examining the Relationship between Secure, Avoidant and Ambivalent Attachment Styles with Marital Adjustment in Married Students

Atefeh Maleklou*[1], Reza Ghorban Jahormi[2]

Abstract

Attachment style is one of the effective factors in interpersonal interactions, which is formed as a result of a person's relationships with attachment figures (parents, peers, and spouse) and significantly affects the performance and marital relationship. Therefore, the present study aimed to investigate the relationship between secure, avoidant and ambivalent attachment style with marital adjustment in married students. The research method was applied in terms of purpose and descriptive-correlation in terms of data collection. The statistical population included all married students of all levels of Azad University, Tehran branch in 2016, of which 184 people were considered as the sample size using Cochran's formula and available sampling method. Data collection was based on four standard questionnaires of marital adjustment (Locke-Wallace, 1959) and attachment styles (Hazen and Shaver, 1987). Analysis of the information obtained from the implementation of questionnaires was done through SPSS20 software in two descriptive and inferential sections (Pearson's correlation coefficient, and multiple regression). The results of the research showed that there is a positive and significant relationship between secure attachment style and marital adjustment of students. There is a negative and significant relationship between avoidant attachment style and marital adjustment of students. Also, there is a negative and significant relationship between ambivalent attachment style and marital adjustment of students. Therefore, it can be concluded that with pre-marriage counseling and determining their attachment style and marital compatibility, it is possible to predict and if necessary, provide the necessary training to achieve more satisfaction and compatibility in life.

Key words: secure attachment style, avoidant, ambivalent, marital adjustment

[1] Master of Counseling, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author)
[2] Assistant Professor, Department of Psychology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]